

استیضاح زنگنه با محوریت
پرونده کرسنت کلید می خورد

نفت در مرز
کانال ۳۰ دلاری

صفحه ۱۶

روزنامه صبح ایران

وطن امروز

تأکید رهبر انقلاب بر بصیرت ستایش بر انگیز مردم ایران در دیدار دست اندرکاران و کارگزاران حج

ملت دشمن را می شناسد

صفحه ۲



کسانی.khamenei.ir

تئیه های امروز

وقتی حزب فتنه با مجوز دولت فعال می شود

اتحاد پلوخورها

امروز خانه انگلیسی ها در ایران
رسماً باز گشایی می شود

بیانیه ۴ اتحادیه بزرگ دانشجویی
در اعتراض به بازگشایی سفارت انگلیس



صفحه ۲

حذف یارانه نقدی با استفاده از حساب های بانکی

وعده سرکشی نکردن به حساب مردم تو خالی بود!

صفحه ۳

خبر

مخالفت دولت آمریکا

با درخواست بانک مرکزی ایران

به گزارش روزنامه وال استریت ژورنال، یک مقام وزارت دادگستری آمریکا از دیوانعالی این کشور خواسته است با درخواست تجدیدنظر بانک مرکزی ایران درباره ۲ میلیارد دلار پول مسدود شده آن مخالفت کند. دونالد ویریلی، مقام وزارت دادگستری آمریکا، روز پنجشنبه ۲۹ مرداد از دیوانعالی این کشور...

صفحه ۵

آزم آرزوست ۱۹۶

اندیشه و سبک زندگی اسلامی

حجت الاسلام والمسلمین سید سعید لوسانی *



یکی از راه های برون رفت از غصب اندیشه است. از آنجا که اندیشه روزی در زندگی به سبک اسلامی اهمیت زیادی دارد. کمی درباره آن بیشتر تأمل کنیم. نخست اندیشه به چه فرآیندی گفته می شود؟ حضرت امام می فرمایند: تفکر و اندیشه، جستجوی بصیرت برای دستیابی به حقیقت است و مقصود و مقصد اصلی زندگی، رسیدن به حق و حقیقت، یعنی کمال علمی و عملی است که سعادت مطلق آدمی است. آداب الصلاة: ۲۰۴] به تعبیر دیگر هدف آفرینش آدمی آن است که از نظر علمی به کمال برسد و حقیقت را دریابد و راه حق و درست را تشخیص دهد و همچنین از نظر عملی کمال یابد و به راه حق و درست پایبند باشد و عمل کند. به این دلیل نخستین قدم برای رسیدن به اهداف انسانی، چه اخلاقی و چه اجتماعی و سیاسی، اندیشه است. با اندیشه و تفکر صحیح است که انسان بصیرت می یابد و قلبش روشن می شود و عقلش به کار می افتد و تذکر می یابد و معرفت الهی پیدا می کند و عزم بر انجام وظایف و تکالیف الهی پیدا می کند و از گناهان و اخلاق نکوهیده و رفتار ناپسند خودداری می کند و به اخلاق پسندیده آراسته می شود و مسأله پیچیده سیاسی و اجتماعی را دقیق و درست می شناسد و طبعاً در همه صحنه های خانوادگی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی درست عمل می کند. یعنی همه این امور معلول تفکر هستند. [شرح ۴۰ حدیث: ۷-۱۱] بنابراین اگر ما بخواهیم جامعه ای پیشرفته داشته باشیم، در درجه اول باید در عرصه تفکر و فکر پیشرفت کنیم. همه آحاد جامعه بویژه جوانان باید به سلاح اندیشه مسلح شوند و جامعه هم جامعه ای متفکر و اندیشمند باشد. این همه قرآن بر تفکر و تعقل تأکید دارد، آیاتی دارای عباراتی چون «و لَمْ یَتَفَكَّرُوا» [اعراف: ۱۸۴؛ روم: ۱۸] «لَعَلَّهْم یَتَفَكَّرُونَ» [اعراف: ۱۷۶] «لِقَوْمٍ یَتَفَكَّرُونَ» [رعد: ۱۳] «أَفَلَا یَتَفَكَّرُونَ» [التأم: ۵۰] و مشابه آنها در قرآن کم نیست. پس باید اندیشه روزی، فرهنگ عمومی شود، یعنی به حقیقتی نمایان و واضح تبدیل شود. شروع این امر با نیکنان و جوانان است و وقتی در این گروه تفکر نهادینه شود، به کل جامعه سرریز می شود. البته این امر آموزش و برنامه می خواهد.

ادامه در صفحه ۵

یادداشت امروز



موضوع پروژه نفوذ آمریکا در ایران و تسلط آن بر منطقه اخیراً بار دیگر به شکل پرده نام و پرسامدی در فضای سیاسی ایران مطرح شده است. پس از طرح این موضوع توسط رهبر معظم انقلاب، تحلیل های مختلفی درباره آن صورت گرفت؛ برخی این نفوذ را صرفاً از راه توافق هسته ای تحلیل کردند و برخی دیگر آن را پروژه های فراتر از برجام، و در این بین مسائلی از قبیل دفتر حافظ منافع آمریکا در ایران و نیز روانه شدن برخی نمادهای آمریکایی مانند مک دونالد و... به کشورهایمان به عنوان راه های نفوذ مطرح شد.

با این حال این یادداشت بنای آن دارد با نگاهی کلان تر به ابعاد پروژه نفوذ پیرزاد و برای آن یک صورت بندی مشخص ارائه دهد. بدین ترتیب مباحثی نظیر مک دونالد، برجام، انتخابات های پیش رو، جریان های سیاسی داخل کشور و... نیز در این پروژه خود به خود جامعی خواهند شد.

نگارنده معتقد است «بهار و فروپاشی نرم» هدف اصلی آمریکا در ایران است و در این بین «تحدید قدرت» و «شکل دهی به دوقطبی های گفتمان ساز» راهبردهای اصلی آمریکا برای نفوذ به ایران هستند که به صورت دیالکتیکی کار می کنند. بدین معنا که از شکل دهی به دوقطبی های به منظور تحدید قدرت استفاده می شود و سپس با بهره گیری از روند پیشین تحدید قدرت، برای پل زدن به دوقطبی بعدی - و الی آخر - سود برده می شود و در نهایت آنچه اتفاق می افتد از ۲ حال خارج نیست: یا با یک ایران بی یال و دم و اشکم که در حکم کبری بی خطری برای نظام سلطه است مواجهیم یا با یک کودتای نرم از داخل.

اما پس از بی بردن به راهبردها، مساله مهم تر آن است که این راهبردها از چه طریقی تغذیه می شوند و سرچشمه های تغذیه کننده آنها چیست؟ چه آنکه «سر چشمه شاید گرفتن به بیل/ چو بر شد نشاید گذشتن به پیل».

از منظر جامعه شناسی سیاسی؛ ۱- «اندیشه و آگاهی های نظری» ۲- «گفتمان ها» ۳- «سبک زندگی» و ۴- «اعمالان تکیه زنده بر برخی دلسوزان بلافاصله پس از بیانات بسیار مهم هفته گذشته مقام معظم رهبری، متن توافق هسته ای را کانال و دریچه اصلی نفوذ آمریکا به ایران در عصر پساتوافق معرفی کردند.

با این حال ادعای این متن آن است که اولاً برجام جسمی دارد و روحی، ثانیاً در جسم برجام هم راه های نفوذ تعبیه شده است با این حال روحی که برخی مسئولان اجرایی کشور، غربگرایان و اصلاح طلبان و همچنین رسانه های آن سوی آب

چهار سوی نفوذ آمریکا در ایران

عبدالله عبدالمولی

هر چند در تفسیری غلط از کلمه گفتمان (Discourse) در محیط های عام سیاسی در کشور از آن بیشتر به عنوان ادبیات سازی تعبیر می شود اما گفتمان در علوم سیاسی معنای بسیار مهم تر و کلان تری دارد. در حقیقت طبق نظریه تحلیل گفتمان - که به عنوان یک روش بسیار کاربردی از آن در علوم سیاسی استفاده می شود - اساساً پدیده ها معنای ثابتی ندارند و آنچه به یک پدیده و به یک امر بیرونی ارزش مثبت یا منفی می دهد، گفتمان شکل گرفته در یک جامعه است. مثال مشهور در این زمینه آن است که فرض کنید در کسوری سیلی جاری شده است، مردم معمولاً ممکن است معنای متفاوتی به آن سیل ببخشند، برخی آن را نشانه ای از عذاب الهی می پندارند، برخی یک اتفاق طبیعی غیر قابل انکار و پیشگیری و برخی دیگر آن را و خسارت هایش را نمادی از ناکارآمدی سیستم حکمرانی کشورشان معنی می کنند. معنای متفاوتی که مردم به این سیل می بخشند پیامد گفتمانی است که به آن معتقد شده اند.

دوقطبی ها و غیرت سازی ها رکن اساسی و ستون فقرات گفتمان سازی هستند و بنا به تعریفی که از گفتمان در ادبیات سیاسی وجود دارد، اساساً یک گفتمان بدون معرفی «دگر»، «غیر» و «قطب» مقابل خود، امکان شکل گیری و هژمونی ندارد. با بیان این مقدمه، به این جمله کلیدی بازمی گردیم که آمریکا در پروژه نفوذ خود از هر ۴ فاکتور تغییر و تحول کلان در یک جامعه (قدرت، گفتمان، سبک زندگی و اندیشه و آگاهی) بهره گیری کرده و خواهد کرد اما مساله آن است که برجام، مک دونالد، انتخابات های پیش رو و... چه نقشی در این پروژه بزرگ آمریکا بازی و به کدام یک از ۴ رکن گفته شده کمک خواهند کرد و چه راه هایی باید به سوی آمریکا بسته شود. یکی از مهم ترین مواردی که با توجه به سطح توجه به آن طی یکی، دو سال اخیر، بهتر است همین ابتدای کار تکلیفش در این متن مشخص شود، مساله برجام است. همانگونه که گفته شد برخی دلسوزان بلافاصله پس از بیانات بسیار مهم هفته گذشته مقام معظم رهبری، متن توافق هسته ای را کانال و دریچه اصلی نفوذ آمریکا به ایران در عصر پساتوافق معرفی کردند.

با این حال ادعای این متن آن است که اولاً برجام جسمی دارد و روحی، ثانیاً در جسم برجام هم راه های نفوذ تعبیه شده است با این حال روحی که برخی مسئولان اجرایی کشور، غربگرایان و اصلاح طلبان و همچنین رسانه های آن سوی آب

بدان می دمند بسیار خطرناک تر از جسم برجام است، ثالثاً جسم برجام را (به رغم تمام خطرات آن) شاید بتوان نسبت به سایر مولفه های نفوذ، در برهه کنونی، قابل پیشگیری ترین راه معرفی کرد، رابعاً اگر برجام بنا به احوال و شرایط و مصلحت های کلان تری پذیرفته شود، به معنای پذیرش نفوذ نیست و خامساً نباید اینگونه تصور شود که اگر جسم و متن ذوبین برجام دارای شرایط و لوازم یک «توافق خوب» می بود، هیچ راهی برای نفوذ وجود نداشت، چرا؟

پیش از این در یادداشت دیگری مطرح کردیم آمریکا از منظر گفتمانی به دنبال پروژه مشخصی است. دوقطبی سازی های آزموده شده توسط آمریکا (با همراهی جریان غربگرای داخلی) که به وسیله آن افکار عمومی ایران شکل دهی و اینگونه القا شد که چرخیدن چرخ های سانسور و نفوذ عوامل اصلی عدم توسعه کشور است، پس از این به حوزه های دیگری کشیده خواهد شد. آمریکا بلافاصله پس از جمع بندی وین، منطقه را در یک سوی دوقطبی ای که قطب دیگر آن معیشت است، جاسازی و دوقطبی «معیشت - مسائل منطقه» را کلید زده و این دوقطبی ها را به حوزه های دیگری مانند «موشکی - معیشت» و «حقوق بشر - معیشت» نیز خواهد کشاند. منظور آن است که آمریکایی ها با یک دسته اقدامات عینی و دستهای دیگر از اقدامات ذهنی (روانی) که به یکدیگر به صورت دیالکتیک کمک می کنند، این بار سعی دارند اینگونه به مردم القا کنند که اگر تا دیروز مساله معیشت شما در گرو محدود سازی و بلکه برچیدن بخشی از فناوری هسته ای و... بود، از امروز این امر در گرو موضوعات دیگری از قبیل واگذاری تام و تمام تحولات منطقه به پد بیضای آمریکا، محدود کردن توان موشکی، تغییر مبانی حقوق بشری از اسلام به مولفه های سکولار و... خواهد بود.

جسم برجام آنجا مهم می شود که در صورت عدم مراقبت ما به وسیله راه های مختلفی که پیش از این درباره آن سخن گفتیم، از برجام، یا خود به خود «تحدید قدرت» ایران بیرون می آید یا این از منظر فلسفی به ارتباط دیالکتیک بین «تغییر در مظاهر ارزش» و «تغییر در ارزش ها» مربوط است. بدان معنا که فقط این نیست که باید ارزش ها در یک جامعه تغییر کند تا مظاهر و صورت های یک جامعه نیز تغییر کند؛ چنین فرضی کاملاً ساده انگارانه است، درست آن است که «مظاهر ارزش» نیز ارزش ها را تغییر می دهند. به عنوان مثال اگر در یک جامعه، مظاهر اشرافی گری

فراوان شد، ارزش ساده زیستی خود به خود به یک ارزش منزوی و بعضاً ضدارزش تبدیل خواهد شد و به همین صورت، اگر در جامعه ای مظاهر زندگی آمریکایی و آمریکان استایل فراوان و غالب شد، ارزش های متعددی را با خود به محاق خواهد برد که از اصلی ترین آنها ارزش استکبارستیزی است، و آمریکا به فراموشی ارزش استکبارستیزی در ایران بسیار نیازمند است.

فارغ از مباحث نظری پیرامون مک دونالد، از نظر تجربی نیز نقش پروژه مک دونالدیزیشن در شوروی و ویتنام کاملاً شفاف و گویاست.

علوم انسانی

در ابتدای متن تأکید شد اندیشه و آگاهی یکی از رکن اصلی تغییر و تحولات عمیق در جامعه است، از سال ها پیش خطر سیطره علوم انسانی غربی بر دانشگاه های کشور، توسط رهبر معظم انقلاب به صورت مکرر مطرح شده است. با این حال خوشمزه ترین جای کار آنجاست که جمهوری اسلامی سال هاست فریاد می زند راه پیشرفت از «تکا به ظرفیت های درونی» می گذرد اما از سوی دیگر همه آنها که به دنبال اخذ مدرک کارشناسی، کارشناسی ارشد و چه بسا دکترا در جمهوری اسلامی هستند، باید به کتاب های نظیر «فلالیت و توسعه یافتگی ایران» و «ایران جهانی شدن» نوشته آقای دکتر سریع القلم مراجعه و آن را از بر کنند. کتاب هایی که کل آن یک پاراگراف بیش نیست؛ ۱- نیاز اصلی امروز کشور توسعه است، ۲- توسعه همان چیزی است که در غرب اتفاق افتاده، ۳- برای توسعه یافتن باید با قدرت های بزرگ غربی از جمله آمریکا و آلمان و... پیوندهای عمیق داشته باشیم و در مدار توسعه غربی قرار بگیریم، ۴- غرب یک کل به هم پیوسته است و قرار گرفتن بر مدار توسعه غربی نیازمند اندراج فرهنگ غربی نیز هست؛ ۵- مانع اصلی عدم اندراج ما در فرهنگ غربی، قانون اساسی ما و تعصب بر فرهنگ اسلامی است، ۶- لذا قانون اساسی و... را باید تغییر و به فرهنگ غربی با داد!

بدین ترتیب در دانشگاه های کشور به طور رسمی، آکادمیک و بسیار شیک و مجلسی، مخالفت با جمهوری اسلامی و ایده های راهبردی آن را به عموم جوانان آموزش می دهیم و انتظار داریم پس از شکل دهی غربی به «اندیشه» جوانان به عنوان یکی از ۴ رکن تغییر جامعه، از نفوذ نیز به طور کامل مصون باشیم!

انتخابات

اما چهارمین رکن و به تعبیری مهم ترین رکن در گفتمان سازی به منظور تغییر و تحولات، آن است که چه کسانی بر مسند قدرت های اجرایی و تقنینی در کشور تکیه زده اند.

ادامه در صفحه ۵